



عنصر اخلاق در مکتب امام خمینی

امام خمینی، اسوه علم و تقوی، وارث راستین امامت، مشعلدار فضیلت در عصر ظلمت بود. او در آغوش قلبها می زیست، از کلامش آب حیات می طراوید، عزم او خنجری بر سینه تردیدها بود، از زبان و عملش، نسیم عاطفه می وزید، از رفتارش مهر و عطوفت مشهود بود؛ اما با این همه فضایل و مکرمتها، آنچه او را امام و جلودار ساخت اسلام بود که تمامی ابعادش را باور داشت.

مسجد و محراب و عبادت و دعا را در کنار رزم و سیاست و همراه فقاقت و درایت، در گفتار و رفتار خویش متجلی ساخت. در یک کلام، مصداق روشنی بود از: «رهبان باللیل و اسد بالنهار» نیایشگر خستگی ناپذیر شبها و پیکارگر آشتی ناپذیر روزها.

روح مشتاقی که بر اثر سیر و سلوک، منازل و مراحل را پیموده و به مقاماتی رسیده بود.

در عین حالی که روحش در بالاترین جایگاه معنوی سیر می کرد، در دنیا وبا اهل آن می زیست:

«صحابو الدنيا بابدان ارواحها معلقة بالمحل الاعلی»^۱



همنشین دنیا و اهل آند با تن هایشان، و پیوسته به بالاترین جایگاه معنویند با
جانهایشان.

امام، از آغاز حرکت تا انجام آن، همواره سیر به سوی کمال را ادامه داد.
روزگاری که روشنفکران غربزده، به هرگونه گرایش معنوی و تعبد و دعا،
بر حسب ارتجاعی می زدند و بسیاری از شعایر دینی را به دیده کهنه پرستی و تمسخر
می نگریدند؛ و از سوی دیگر، گروهی مقدس مآب و متحجر، اسلام را خلاصه در
مفاتیح و دعا می دیدند و از هرگونه اقدام اجتماعی و فعالیت سیاسی گریز داشتند،
او نهضتی را بنیان نهاد که جامع الاطراف بود: هم آگاهی و شعور سیاسی
می بخشید و هم به معنویت دعوت می کرد. به عبارت دیگر، امام تحول درونی و
معنوی را اساس و ریشه تحول اجتماعی می دانست و بر این باور بود که: اول باید
مردم را مهذب کرد و آنان را با فضایل و مکارم آشنا ساخت، آن گاه آنان را به سوی
تغییر نظام و حکومت فراخواند. از این روی، آن مرتبی پاکیزه جان، در آموزشهای
اخلاقی، که در حوزه علمیه قم داشت، ضمن بیدارگری و بینش دهی، به خودسازی
و دعا تأکید فراوان داشت. کتاب «جهاد اکبر»، که رایحه ای از درسهای اخلاق
ایشان در حوزه نجف می باشد، بیانگر این حقیقت است.

پس از پیروزی انقلاب و به دست گرفتن مجاری امور دینی و دنیایی مردم نیز،
بر این شیوه و روش بود. هر سال، در ایام ماه مبارک رمضان، ملاقاتها و مراجعات
عمومی را تعطیل می کرد و با پروردگار خویش، به دعا و راز و نیاز می پرداخت.
امام، این ویژگی را داشت که هیچ گاه در میان خلق از ارتباط با خالق
بازنمی ماند. هر چه به پایان عمر نزدیکتر می شد، بُعد عرفانی و معنوی اش تجلی و
نمود بیشتری پیدا می کرد. این خصوصیت از پیامها و اشعار ایشان، که در سالهای
پایان عمر به یادگار گذاشت، کاملاً پیدا است.

از آن جا که عبادت و نیایش، در زندگی امام، جایگاه بس رفیعی را به خود
اختصاص داده است، بر آن شدیم که در این نوشتار، به این قلّه بلند نگاهی
ببندازیم.

مفهوم و اهمیت دعا

دعا، یعنی خواندن. این واژه، در کتب لغت به: «خدایخوانی، حاجت خواستن از خداوند برای خود یا دیگری»^۲ معنی شده است.

گفته اند: کلمه‌ای است انشایی که دلالت می‌کند بر طلب، با اظهار خضوع^۳. در فرهنگ دینی آمده است: «مفهوم دعا، درخواست فراهم شدن اسباب و عواملی است که از دایره قدرت انسان بیرون باشد و آن هم از کسی که قدرتش بی پایان و هر امری برای او آسان است.»^۴

پرواضح است که دعا، تنها به معنای درخواست زبانی نیست؛ بلکه دعا، خواستی است که از تمام وجود آدمی برخیزد و زبان، ترجمان آن باشد.

دعا، حالتی است که چراغ امید را در انسان روشن می‌سازد و انبساط باطنی به او می‌بخشد. دعا، غبار غفلت از چهره جان می‌زداید و عامل توسعه و گسترش بینش انسان نیایشگر می‌گردد.

به وسیله دعا، انسان اعتماد به نفس پیدا می‌کند و حالت انس و الفت با ذات باری تعالی در او پدیدار می‌شود.

بر اثر دعاست که روح آدمی تلطیف می‌گردد و نیروی عاطفه از مرزهای فردی می‌گذرد.

دعا آموزش عشق و نیاز است. فطرت حق طلب آدمی چنین است که به پروردگار جهان عشق می‌ورزد. ضعف انسانی اقتضاء می‌کند که در برابر عظمت خداوند اظهار کوچکی و نیاز کند.

دعا کردن تجلی و مظهر عشق و معرفت است؛ از این روی، هر کس که به میزان استعداد و ظرفیت خود، از دعا بهره می‌گیرد. لذا می‌توان گفت: «انسانهای بزرگ، نیازهای بزرگتر دارند و آنان که غنی ترند محتاج ترند.»

در مسیر زندگی، لحظاتی برای انسان پیش می‌آید که احساس غربت و تنهایی



می کند و به دنبال همدمی شایسته و همراهی آرامش بخش می گردد و به زبان حال می گوید:

سینه مالا مال درد است ای دریغا مرهمی

دل ز تنهایی به جان آمد خدایا همدمی

آنچه می تواند این غربت وحشتناک را به انس و الفت مبدل سازد، نیایش و دعاست. دعا سگوی پرشی است که انسان را از عالم ملک به جهان ملکوت پیوند می دهد و او را با عالمی دیگر آشنا می سازد.

امام، درباره جایگاه و اهمیت دعا چنین می نویسد:

«از بزرگترین نعمتهای خداوند بر بندگان و از مهمترین مظاهر رحمت

پروردگار بر زمینیان، دعاهایی است که از خزینه وحی و شریعت و از حاملین علوم

و حکمت به ما رسیده است. این دعاها عامل ارتباط معنوی بین خالق و مخلوق و

عاشق و معشوق و وسیله دخول در حوزه امن الهی و دستگیره محکم بندگان

است.»^۵

انسان، به طور طبیعی، مجذوب کمال است. کششی فطری در درون انسان وجود دارد که او را به سوی بی نهایت سوق می دهد. این کشش و گرایش نامحدود و سیری ناپذیر، اگر به هر مرحله ای از کمال هم دست یابد، باز احساس نقص و کاستی می نماید. همین معنی دلیل بر آن است که مبداء کمال مطلق، در جهان وجود دارد که همه کمالها پرتوی از اوست.

عبادت و دعا برای شکوفایی این استعداد و میل انسانی است تا او را به آن کمال مطلق نزدیک سازد؛ از این رو می بینیم: آیات و روایات متعددی از اهمیت و فضیلت دعا، سخن می گویند.

در قرآن مجید می خوانیم:

«قل ما یعبؤا بکم ربّی لولا دعاءکم.»^۶

بگو: پروردگار من برای شما ارجی قائل نیست اگر دعای شما نباشد.

از این آیه استفاده می شود که وزن و ارزش انسان در پیشگاه خداوند، همان

ایمان و توجه به پروردگار و اظهار خضوع و بندگی در برابر اوست و دعا وسیله‌ای است برای چنین توجهی از ناحیه انسان به سوی خداوند.

در جای دیگری می‌خوانیم:

«و قال ربکم ادعونی أستجب لکم إن الدین بستکبرون عن عبادتی

سیدخلون جهنم داخرین^۷»:

پروردگار شما گفته است مرا بخوانید تا دعای شما را اجابت کنم. کسانی که

از عبادت من تکبر می‌ورزند به زودی باذلت وارد دوزخ می‌شوند.

از آیه فوق، نکاتی به دست می‌آید:

دعا امری است مطلوب و محبوب خداوند.

دعا خود نوعی عبادت است.

به دعای با شرایط وعده اجابت داده شده است.

در روایات نیز می‌خوانیم که رسول خدا (ص) فرمود:

«الدعاء مخ العبادة^۸»

دعا مغز عبادت است.

در روایتی دیگر از رسول خدا (ص) نقل شده است که فرمود:

«الدعاء افضل من قراءة القرآن^۹»

دعا برتر است از خواندن قرآن.

* زیرا: دعا فرع بر شناخت خداوند است.

* در دعا، انسان در خود احساس نیاز می‌کند و از مرکب غرور و کبر فرود

می‌آید.

* اعتماد به نفس پیدا کرده و از یأس و ناامیدی می‌رهد.

* به وسیله دعا، شرایط و صلاحیتهایی را به دست می‌آورد تا دعایش مستجاب

گردد.

در همین راستاست که امام، بارها در بیاناتشان، ادعیه را قرآن صاعد

می‌خواندند و چنین می‌فرمودند:



«آنهايي که ادعيه را می خواهند کنار بگذارند و به اسم این که ما قرآن می خواهیم نه دعا، آنها قرآن را هم نمی توانند به صحنه بیاورند... اگر قرآن هم می خوانید قرآن دارد از دعا تعریف می کند. مردم را وادار به دعا می کند که اعتناء به شما نداشتیم اگر دعا نمی کردید.»^{۱۰}

گزیده سخن آن که: دعا راهی است برای رسیدن به کمال، سپری است برای محافظت از لغزشها و گناهان، دژی است در برابر هجوم ناملايمات و ناگواریهای زندگی.

دعا، به جان آدمی تعادل و آرامش می بخشد، قدرت ایستادگی و تحمل او را افزون می سازد، نشاط و امیدواری را در وی پدید می آورد.

بالاخره دعا سرور عشق است و طهارت جان. دعا آدمی را در حوزه جاذبه حق قرار می دهد و از وابستگی های مادی و دنیوی می رهااند.

امام از تبعیدگاه ترکیه، به فرزندش نوشته است:

«... کتاب مفاتیح، صحیفه سجاده و... هم بفرستید.»^{۱۱}

زمانی که در غرب می زیست و از آن جا هدایتگری مردم را به عهده داشت، به چند تن از اساتید قم پیام داده بود:

«انقلاب نیاز به دعا دارد، برای پیروزی انقلاب دعا کنید.»^{۱۲}

اینها نمونه هایی بود که اهمیت دعا را در نظرگاه امام مشخص می کند و می آموزد که: سیر در وادی پرسنگلاخ زندگی، بی دعا و به دور از حوزه آستان بوسی حضرت حق، سخت غم افزاست.

دعا هدف و وسیله

از آیات و روایات استفاده می شود که: دعا، هم هدف است و هم وسیله، هم جنبه اصالت دارد و هم مقدمیت. دعا اگر از مرز زبان بگذرد و دل با زبان هماهنگ گردد، نوعی بهجت و لذت روحی می آورد که همان حالت روحی،

خود، هم طالب می شود و هم مطلوب، هم مقدمه می گردد و هم نتیجه.
از این روی، قرآن مجید کسانی را که از دعا می گریزند، به عنوان: مستکبرین از
عبادت، می شناسد و می فرماید:

«ادعونی استجب لکم ان الذین یتکبرون عن عبادتی...»^{۱۳}

کسانی که از دعا روی می گردانند، در حقیقت از نوعی عبادت سر باز زده اند.
و در روایات متعددی پیشوایان دینی فرموده اند:

«الدعاء هی العبادة الکبریٰ»^{۱۴}

بزرگترین عبادتها دعاست.

از مجموع اینها و موارد دیگر چنین به دست می آید که: دعا، علاوه بر این که
وسیله است، خود عبادت و هدف نیز می باشد. به این جهت، دعا و نیایشهایی که
به استجابت نمی رسند، نمی توان آنها را بیهوده دانست؛ زیرا خود کرنش و استمداد
از بارگاه خداوندی، نوعی از کمال و عبادت است. اگر با این زاویه به ادعیه
بنگریم، بسیاری از ایرادها و اشکالهایی که در ذهن بعضی هاست برطرف می گردد.
ملای رومی درباره عدم استجابت برخی از دعاها می گوید: برخی چنین می پندارند
که: دعا، تنها برای رفع گرفتاریها و شداید است؛ از این روی، به دعاهایی که اثر
عینی و خارجی نداشته باشد، دعای ناموفق می نامند. شخصی نیایش می کرد و
خدا خدا می گفت، دعایش مستجاب نشد؛ لذا آن را ترک کرد. خضر نبی در خواب
به او چنین گفت:

گفت هین از ذکر چون وامانده ای چه پشیمانی از آن کس خوانده ای
گفت لبیکم نمی آید جواب و آن همی ترسم که باشم رد باب
گفت خضرش که خدا گفت این به من که برو با او بگو ای ممنتحن
بلکه آن الله تو لبیک ماست وان نیاز و درد و سوزت پیک ماست
نی ترا در کار من آورده ام نه که من مشغول ذکر بوده ام
حیله ها و چاره جویی های تو پیک ما بوده گشاده پای تو
درد عشق تو کمند لطف ماست زیر هر یارب تو لبیک ماست^{۱۵}



اُنس به خدا و توجه به پروردگار، حالتی است که محصول دعاست. این حالت، بهترین سرمایه معنوی و قوی‌ترین مانع جلوگیری از گناهان و مفسد است. امام راحل، همواره توصیه می‌کردند که:

«مردم را نباید از دعا جدا کرد... مردم باید با دعا انس پیدا کنند، انس به خدا پیدا کنند. آنها که انس به خدا دارند و دنیا پیششان این طور جلوه ندارد، آنهایی هستند که برای خودشان ارزش ندارند، برای خدا مشغول به کار می‌شوند.»^{۱۶}

دعا و نیایش، از یک سو حالت عبودیت را در انسان به وجود آورده و آن را می‌پروراند و خودبینی را از انسان دور می‌سازد؛ و از سوی دیگر وسیله تهذیب نفس و تزکیه جان است. پیامبران، هدف و همتشان این بوده است که: انسان را به این مرحله برسانند:

«تمام عبادت وسیله است. تمام ادعیه وسیله است. همه وسیله برای این است که: انسان این لبایش ظاهر بشود. آن که بالقوه است و لُب انسان است، به فعلیت برسد و انسان بشود. انسان بالقوه، انسان بالفعل بشود. انسان طبیعی می‌شود یک انسان الهی، به طوری که همه چیزش الهی می‌شود، هر چه می‌بیند حق می‌بیند. انبیاء هم برای این آمده‌اند.»^{۱۷}

و در جای دیگر، آن زیباترین روح پرستندهٔ زمان، می‌فرماید:

«این ادعیه، در ماه مبارک رجب و خصوص در ماه مبارک شعبان، اینها مقدمه و آرایشی است که انسان به حسب قلب خودش می‌کند، برای این که مهیا بشود برود مهمانی، مهمانی خدا. مهمانی‌ای که در آنجا سفره‌ای که پهن کرده است قرآن مجید است. و محلی که در آنجا ضیافت می‌کند، مهتمس لیلۃ القدر است و ضیافتی که می‌کند، ضیافت تنزیهی و ضیافت اثباتی و تعلیمی.»^{۱۸}

استغفار و دعای اولیاء

مطالعه آیات قرآن مجید، نشان می‌دهد که اولیای خدا و بندگان صالح او، هم از پیامبران و امامان معصوم (ع) و نیز مؤمنان راستین و شایسته، همواره دعا و



نیایش داشته‌اند. با این که به درجات و مقامات قرب الهی قدم نهاده‌اند، خود را بی‌نیاز از پیوند معنوی با ذات باری تعالی نمی‌دانسته‌اند. سیره و روش پیامبران و صالحان نیز، گواهی می‌دهد که: درکنار خدمت به خلق، نشر فرهنگ دین و آموزش ارزشهای الهی، ارتباطی عمیق و خالص با معبود داشته‌اند.

قرآن، دعاها، استغفارها و مناجاتهایی از آنان نقل می‌کند که با آهنگ دلنواز «رب» و «ربنا»^{۱۹} شروع می‌شود. آن دل‌باختگان حق، از ربوبیت حق، در تمام خواستهای خود کمک می‌گرفته‌اند.

در کتب روایی نیز، به دعا‌هایی برمی‌خوریم که از پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) به ما رسیده است. از آن جمله: صحیفه سجادیه، که مجموعه‌ای است از معارف و ارزشهای اسلامی، در قالب دعا.

به فرموده امام راحل:

«ما مفتخریم که ادعیه حیات بخش که آن را قرآن صاعد می‌خوانند، از ائمه معصومین ماست. ما به مناجات شعبانیه امامان و دعای عرفات حسین بن علی، علیهما السلام، و صحیفه سجادیه، ابن زبیر آل محمد، و صحیفه فاطمیه، که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است، از ماست.»^{۲۰}

مضامین بلند و محتوای سرشار از معارف ادعیه معصومین(ع) گویای این حقیقت است که: آنان از منبع وحی و رسالت الهام گرفته و جانشان از کوثر نبوت سیراب گشته است. آنچه عارفان واصل و پیشگامان معرفت، در طول تاریخ، گفته و نوشته‌اند، چیزی افزون بر معارف اهل بیت(ع) نگفته‌اند.

«... اگر نبود در ادعیه الآ دعای مناجات شعبانیه، کافی بود برای این که امامان ما، امامان بحقند. آنهایی که این دعا را انشاء کردند و تعقیب کردند. تمام این مسائلی که عرفا در طول کتابهای طولانی خودشان می‌گویند، در چند کلمه مناجات شعبانیه هست.»^{۲۱}

ناله‌های جانسوز امیرالمؤمنین(ع) در دعای کمیل و گریه‌های شبانه و سجده‌های طولانی آن حضرت، درد فراقی که سخت‌تر از آتش سوزان دوزخ است،



آرزوی وصالی که در سرتاسر این دعا به چشم می خورد، نشانگر این مسأله است که آن حضرت، به دعا و استغفار توجه کامل داشته است. دعای عرفات امام حسین (ع)، که یک دنیا معرفت و عرفان در او نهفته است نیز، گواه این حقیقت است که آن حضرت، در بیابان عرفات، به دنبال معشوق و محبوب خود می گشته و خود را در برابر عظمت و قدرت او همچون قطره ای در اقیانوس بیکران می دیده است. بالاخره، ادعیه ای که از پیامبران و امامان معصوم (ع) در دست ماست، مجموعه ای است گرانقدر از: نیایش، استغفار، طلب عفو و مغفرت و توبه از گذشته ها و گناهان.

ممکن است در این جا این سؤال مطرح شود که: معنای دعا و استغفار معصومین چیست؟ و با عصمت آنان چگونه سازگار است؟ اگر آنان پاک و منزّه از گناه هستند، پس ناله ها، طلب غفرانها و اظهار ندامت و پشیمانی ها در دعای آنان چگونه توجیه می شود؟ برای پاسخ به این پرسش، جوابهای متعددی داده شده است: برخی از عالمان دین، بر این باورند که: تمام ادعیه امامان معصوم (ع) برای تعلیم و تفهیم دیگران است. آنان راه و روش نیایش را به مردم می آموخته اند، نه این که برای خویشتن دعا و نیایش کرده باشند.

این جواب، نمی تواند پاسخ صحیح و درستی باشد؛ زیرا بنا بر این باید پذیرفت که معصومین (ع) هیچ گاه در مقام دعا قصد جدی نداشته اند و یا آن که بعضی از دعاهای آنان حقیقی بوده و برخی تعلیمی و آموزشی! در حالی که هیچ یک از این مسائلی از روایات و سیره آن بزرگواران استفاده نمی شود.

بعضی دیگر از عالمان دین، که بخش عظیمی را تشکیل می دهند، بر این عقیده اند که گناه و عمل ناپسند، امری است دارای مراتب. ممکن است کاری از پیغمبری و یا امامی صادر شود که از جهت حکم شرعی، نه حرام باشد و نه مکروه؛ لکن متناسب با شأن و مقام آنان نباشد؛ از این روی آن بزرگواران، این چنین عملی را گناه بدانند و از پیشگاه خدا طلب عفو و مغفرت بکنند. به عبارت دیگر، صفحه روح و جان آن پاکیزه جانان آن قدر صاف و پاک است که کوچکترین ترک اولی

را گناه می دانند و گاهی حسنات خود را نیز، سیئات می شمارند.

از رسول خدا (ص) نقل شده است که فرمود:

«لیغان علی قلبی وانی لاستغفرالله فی کل یوم سبعین مرّة.»^{۲۲}

چیزهایی قلب مرا فرامی گیرد که به واسطه آن، روزی هفتاد مرتبه استغفار

می کنم!

امام، در توضیح این حدیث می فرماید:

«پیغمبر اکرم (ص)، در عین حالی که یک موجود الهی بود، به ایشان نسبت

می دهد: «لیغان علی نفسی وانی لاستغفرالله فی کل یوم سبعین مرّة» همین

معاشرت کردن با این اشخاص که ناباب بودند، همین موجب یک کدورتی

می شود. یک کسی که باید پیش محبوبش دائم الحضور باشد... بازش

می دارد.»^{۲۳}

بنابراین، ادعیه و استغفارهایی که از معصومین صادر شده و در اختیار ما قرار

گرفته است، حقیقتاً، دعا و نیایش و طلب آمرزش و مغفرت است، نه برای تعلیم

پیروان و نشان دادن کیفیت دعا (گرچه در ضمن روش دعا هم آموخته اند).

امام، در این زمینه چنین می فرماید:

«این طور نیست که دعا برای تعلیم ما باشد، دعا برای خودشان بوده است.

خودشان می ترسیدند. از گناهان خودشان گریه می کردند، تا صبح. از پیغمبر

گرفته تا امام عصر (عج) همه از گناه می ترسیدند. گناه آنها غیر اینی است که من و

شما داریم. آنها یک عظمتی را ادراک می کردند که توجه به کثرت از گناهان

کبیره است پیش آنها. حضرت سجاد (ع) در یک شبش (به جهت آن چیزی که وارد

شده) تا صبح «اللهم ارزقنا التجافی عن دارالغرور و الانابة الی دارالسرور و

الاستعداد للموت قبل حلول القوت» [می گفته است]^{۲۴}»

البته دعا امری است دارای مراتب. هرکس به اندازه سعه وجودی و ظرفیت

روحی خویش از منبع فیاض جهان، از کمال و جمال حق تعالی بهره می گیرد.

دعا خواندن افراد، برخاسته از معرفت و شناخت آنان نسبت به پروردگار است.



بدین جهت است که: دعای مقربین و معصومین در مرتبهٔ اعلای آن قرار دارد.
امام راحل این گونه سفارش می‌کنند:

«عزیزم! ادعیهٔ ائمهٔ معصومین را بخوان و ببین که حسنات خود را سیئات می‌دانند و خود را مستحق عذاب الهی می‌دانند و به جز رحمت حق، به چیزی نمی‌اندیشند. و اهل دنیا و آخوندهای شکم‌پرور، این ادعیه را تأویل می‌کنند؛ چون حق جل و علا را شناخته‌اند.

پسرم! مسأله بزرگتر از آن است که ما تصور می‌کنیم. آنان در پیشگاه عظمت حق تعالی، از خود فانی شده‌اند و جز او چیزی نمی‌بینند. در آن حال، کلام و ذکر و فکری نیست و خودی نیست. این ادعیهٔ کریمه، در حال صحو قبل از محویا بعد از محو که خود را در حضور حاضر می‌بینند، صادر شده است. و دست ما و همه کس، غیر از اولیاء خلص، از آن کوتاه است. ۲۵»

آثار تربیتی و اجتماعی دعا

آنانی که حقیقت دعا و نیایش را شناخته‌اند و به آثار و ثمرات آن پی برده‌اند، ایراد و اشکالهایی به مسأله دعا گرفته‌اند: گاهی آن را عامل تخدیر و مانع بیداری و پیشرفت دانسته‌اند و گاهی وسیله‌ای برای توجیه ظلم و ستم و در نتیجه، غفلت و بی‌توجهی نسبت به سرنوشت مردم.
به عبارت دیگر، برخی چنین می‌پندارند که: مبارزه و هرگونه خدمت سیاسی و مردمی، با دعا منافات دارد و قابل جمع نیست! از این روی، در این جا اشاره‌ای داریم به برخی از آثار مثبت و سازنده دعا:

۱. دعا و تزکیه نفس

شکی نیست که محور مسایل اخلاقی، رهایی از خود ورها کردن منیت است. اسلام، در تعالیمش می‌کوشد که انسانها را به این نکته متوجه سازد که اساس همه چیز، خداخواهی است. بدین جهت، هدف نهایی پیامبران الهی را در تزکیه جان

انسانها می داند:

«... یزکیهم ویعلمهم الكتاب والحکمة. ۲۶»

تمام جنگها و گرفتاریهای عالم، از انانیت و خودخواهی هاست.

مادر بتها، بت نفس است. انبیاء آمدند تا این بت را بشکنند و انسان مهاجر الی الله بسازند. یکی از آثار سازنده ادعیه آن است که: انسان را از بتکده خودخواهی ها خلاص می کند و از ظلمتکده دنیا به عالم نور و معنویت می رساند.

«این دعاهاست که به تعبیر بعضی از مشایخ ما: قرآن صاعد است... اینها

انسان را، دستش را می گیرد و می برد بالا، آن بالای که من و شما نمی توانیم

بفهمیم... آن که سبکبار می کند انسان را و از این ظلمتکده می کشد او را بیرون و

نفس را از آن گرفتاریها و سرگشتگیهایی که دارد، خارج می کند این ادعیه ای

است که از ائمه ما وارد شده است. ۲۷»

قلب انسان در مسیر زندگی و در بستر طبیعت، کدورت و حجاب می گیرد.

چیزی که می تواند غبار غفلت از چهره جان بزدايد و حجاب از جلو دیده بصیرت آدمی برگیرد، توجه به خدا و دعا و نیایش است.

عروس حجله قرآن نقاب آنکه براندازد که دارالملک ایمان رامنزّه بیندازوغوا

آنچه انسان را زمینی می کند و او را وابسته به مادیات می سازد، همین تعلقات

ومظاهردنیایی است. تنهاراههایی آن است که: انسان انقطاع قلبی و روحی از آنها

پیدا کند. این میسور نیست، جز در سایه توجه تام و تمام به خدا از راه ذکر، دعا و

ارتباط معنوی با پروردگار.

در دعای شعبانیه چنین می خوانیم:

«إلهی هب لی کمال الانقطاع إلیک و انز ابطار قلوبنا بضیاء نظرها

الیک... ۲۸»

خداوندا! جدایی کامل از غیر خودت را به ما عطا کن و دیده قلب ما را به نور

ذاتت روشن فرما.

بنابراین، دعا سکوی پرش انسان از مادیات به سوی معنویات و عامل مهم و



اساسی در تزکیه جان است:

«شما ادعیه امام سجاد (ع) و سایر ائمه را ملاحظه بفرمائید، مشحون است از این که مردم را بسازند برای یک امر بالا تر از آن چیزی که مردم عادی تصور می کنند: دعوت به توحید، دعوت به تهذیب نفس و... دعا هم خودسازی است و هم مردم سازی.»^{۲۹}

۲. دعا و تعلیم مبارزه.

باتوجه به معارف و منابع دینی و دقت در متون ادعیه، و نیز مطالعه سیره و روش پیشوایان دینی، به این نکته می رسیم که: دعا علاوه بر جنبه تربیتی و تهذیبی، آموزش دهنده مبارزه با زراندوزان و زورمداران نیز بوده است. یکی از عوامل مهم و اساسی در تجهیز مردم، برای حضور در صحنه های اجتماعی و سیاسی، همین ادعیه است. با نگاهی به ادعیه صحیفه سجادیه درمی یابیم که دعا گریز از مسؤولیتهای اجتماعی و مبارزه نیست؛ بلکه عامل کسب نیرو و توان لازم برای ادامه راه و جهاد است:

«ائمه، علیهم صلوات الله، که تقریباً همه شان گرفتار به یک ابرقدرتهایی بودند (که نمی توانستند یک کاری انجام بدهند شاخص) علاوه بر آن هدایتهای زیرزمینی که می کردند، این ادعیه برای تجهیز مردم بود، بر خلاف آن دولتهای قاهری که بودند. همین ادعیه بودند که اشخاص وقتی می خواندند، قوت روحی پیدا می کردند و سبکبار می شدند و شهادت برای آنها همین و آسان می شد.»^{۳۰}

مسلمانی که در دعا می خواند:

«وَقْتَلَا فِي سَبِيلِكَ فَوْقَ لَنَا»^{۳۱}

شهادت در راهت را نصیب و روزی من گردان.

چگونه می تواند شاهد شکنجه و آزار و اذیت مظلومان و محرومان باشد و نسبت به سرنوشت آنان بی تفاوت بماند.

اشتغال به دعا، به این معنی نیست که انسان در لاک خود فرورود و میدان را



برای تبهکاران و مفسدان بازگذارد؛ بلکه باید انسان اهل دعا علاوه بر شکستن بت نفس و خودخواهی، به کسر اصنام شیطانی و طاغوتی نیز پردازد. دعا نه تنها با مبارزه منافقاتی ندارد، که خود مجاهد پرور و رزمنده ساز است. بهترین الگوی نیایش و مبارزه پیشوایان معصوم (ع) بودند. در این زمان، مصداق روشن این مدعی رهبر فقید انقلاب اسلامی امام خمینی بود که توانست با حفظ روحیه تعبد و معنویت در خویش، آغازگر مبارزه‌ای طولانی با ستمگران جهان گردد:

«دعوت به خلوت با خدای تبارک و تعالی، معنی اش این نبوده است که مردم توی خانه هایشان بنشینند و از مصالح مسلمین غفلت کنند و مشغول ذکر و دعا باشند...»^{۳۲}

۳. نقش دعا در تشکیل حکومت

دعا به معنای صحیح آن، همان گونه که اظهار برائت از مشرکین و مستکبرین و اعلام ولایت با صالحین و پیشوایان راستین را به ما می آموزد، مبارزه با بدعت و بدعتگزاران را وظیفه مسلمانان می شمارد و تشکیل حکومت و به دست گرفتن قدرت را نیز توصیه می کند. یکی از آثار مثبت و سازنده دعا، این است که: زمینه ساز امت و ملتی باصلابت و پر قدرت است. این مسأله در متون ادعیه کاملاً مشهود است. در فرازی از دعای افتتاح، چنین می خوانیم:

«اللهم إنا نرغب إليك في دولة كريمة تعزُّ بها الإسلام واهله وتندُّ بها التَّفَاق واهله وتجعلنا فيها من الدَّعاة إلى طاعتك والقادة إلى سبيلك و ترزقنا بها كرامة الدُّنيا والآخرة.»^{۳۳}

خداوندا! ما از تو امید داریم که حکومت گرامی را که مایه عزت اسلام و مسلمین و خواری منافقین باشد، برقرار سازی و ما را در آن حکومت، از دعوت کنندگان به عبادتت و از رهبران راه هدایتت قرار دهی.

این، تنها یک آرزو و میل قلبی نیست، بلکه طرح تشکیل حکومت اسلامی بر



محور قدرت و عزت و پیشگامی مسلمان است که ارائه می دهد.

امام سجاد (ع) در بخشی از دعای مکارم الاخلاق می فرماید:

«واجعل لی یداً علی من ظلمنی... و قدرهً علی من اضطهدنی.»^{۳۴}

پروردگارا! مرا دست قدرت و نیرو عطا کن تا غالب آیم بر کسی که به من

ظلم می کند. مرا بر کسی که به قهر علیه من برخاسته است، قدرت بخش.

بادقت و درنگ روی دعاهای شریف، به این نتیجه می رسیم که: از آثار دعا

برانگیخته شدن مردم است در جهت حضور در اجتماع و ایجاد دگرگونی اجتماعی.

دعا، یعنی زدودن عایقهای نفسانی و اجتماعی. این که در زیارت جامعه، خطاب به

اِئمه (ع) می گوئیم:

«وساسة العباد و ارکان البلاد.»^{۳۵}

به این معناست: آنان، با این که اهل ذکر و دعا بوده اند، اهل سیاست و اداره

مردم هم بوده اند. پس اهل دعا، طبق محتوای خود دعاهای شریف، باید با تمام

توان با آنان که دعا و دین را از سیاست جدا می دانند به مبارزه برخیزند.

امام، هم اهل دعا بود و هم اهل سیاست و اداره کشور و از دعا جز ارتباط با

خدا و اداره اهل زمین، برداشتی نداشت:

«همه چیز در اینها هست، در عین حالی که دعاست. شما ادعیه حضرت

سجاد (ع) را می بینید دعاست؛ اما چه می کند این دعا. هم معنویات هست، هم

قضیه حکومت هست، هم از بین بردن حکومت ظلم است، چنانچه سیره ائمه

هدی (ع) بر این بوده...»^{۳۶}

امام، به این نکته اشاره می کنند که سیره پیامبر (ص) و امامان شیعه (ع) بر این

نبوده که مردم محراب و مسجد باشند و از جامعه و مردم بگریزند. با اینکه مشغول دعا و ذکر

بودند، به فکر و اندیشه نجات مردم و ایجاد حکومت الهی و اسلامی نیز بوده اند:

«... پیغمبر، در عین حالی که وظایف شخصی خودش را به جا می آورد و

خلوتها با خدای تبارک و تعالی داشت، تشکیل حکومت داد و به انحاء عالم برای

دعوت مردم فرستاد و مردم را دعوت کرد به دیانت و دعوت کردند به اجتماع.»^{۳۷}



۴. دعا و آموزشهای اخلاقی

دعا، علاوه بر آثار تربیتی، اجتماعی، سیاسی و... در تصفیۀ جان و روان اثری عمیق می‌گذارد. مکتبی است برای ارائه ارزشهای انسانی و الهی. در ادعیه، به مواردی برمی‌خوریم که ضمن برشمردن رذایل و پرهیز دادن مردم از آنها، به فضایل و مکارم اخلاقی ترغیب کرده و اصول ارزشها را ترسیم می‌کند. از باب نمونه می‌توان از دعای مکارم الأخلاق امام سجاد (ع) یاد کرد که آن حضرت، از خداوند چنین می‌خواهد:

«وہب لی معالی الاخلاق»^{۳۸}

امام (ع)، در این دعا به ضد ارزشها همانند: کبر، عجب، متّ نهادن، فخر و مباحات، بغض و کینه، حسد، بدگمانی، قطع رحم، ذلت‌پذیری، بخل و امساک، غیبت، غضب، ظلم، آتش‌افروزی و اختلاف، افشاگری، سرزنش دیگران و... اشاره نموده و از تمام آنها به خداوند پناه برده است.

در مقابل، ارزشهای والا که سزاوار است هم فرد و هم جامعه به آنها آراسته گردند، برمی‌شمارد، از جمله:

عزت، عبادت، خدمتگزاری، خیرخواهی، تواضع، خوش‌گمانی، محبت و نعدوستی، نیکوکاری، خوش‌برخوردی، ستم‌ناپذیری، ادب و احترام نسبت به معلم و مربی، انفاق و احسان، سپاسگزاری، چشم‌پوشی از بدی دیگران، گسترش عدل، فروبردن غیظ، خاموش کردن آتش فتنه و اختلاف، پرده‌پوشی، پیشتازی در فضایل، ایثار، قول حق، مبارزه با بدعتگزاران و...

اینها و نمونه‌های فراوان دیگر، در دعاهای شریف، بذر فضایل و ارزشها را در دل و جان انسانها می‌پاشند و ریشه‌ی رذایل و رفتارهای ناشایسته را می‌خشکانند. چگونه ممکن است کسی در این مکتب پرورش یابد و این ارزشها را شبانه‌روز بر زبان جاری کند، اما در گفتار و رفتارش اثر نگذارد. بسی شک این مکارم اخلاقی تأثیری ژرف و فراگیر بر روح اهل دعا و نیایش می‌گذارد و او را از بسیاری از



گناهان و مفساد اخلاقی دور می سازد.

«همه برکات از همان دعاخوانهاست... همین دعاخوانها و همین کسانی که به ظواهر اسلام عمل می کنند، اینها پرونده جنائیشان نسبت به دیگران، یا ندارند، یا کم است... تمام این خیرات و میراث که می بینید از این مؤمنین است. تمام این موقوفات که برای خیرات مطلق و برای دستگیری از ضعفاست، از این اهل ذکر و اهل نماز است، از غیر ایشان نیست.»^{۳۹}

دعا به مفهوم واقعی اش که همان احساس حضور در محضر حق تعالی است، دارای اهمیت و جایگاه خاصی در معارف و منابع دینی است، که در این مقاله، از زبان امام، رحمة الله علیه، در حد توان، اشاره ای به آن داشتیم. به امید آن که از ادعیه ائمه (ع) توشه راه برگیریم.



۱. «نهج البلاغه»، حکمت / ۱۴۷.

۲. «لغتنامه دهخدا».

۴. «تفسیر نمونه»، ج ۱/ ۶۴۲.

۵. «شرح دعاء السحر»، ۱۹.

۶. «سوره فرقان»، آیه ۷۷.

۷. «سوره غافر»، آیه ۶۰.

۸. «بحار الانوار»، ج ۹۰/ ۳۰۰.

۹. «المیزان»، ج ۲/ ۳۵.

۱۰. «تفسیر سوره حمد»، امام خمینی، ۸۲-۸۰.

۱۱. «نهضت امام خمینی»، حمید روحانی، ج ۲/ ۸.

۱۲. «سیمای فرزندگان»، رضا مختاری، ج ۳/ ۱۸۲.



ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی